

**دستگیر یتیمان، دلجوی بینوایان**

بنابر اخبار دیوار کعبه شکافت و مادرش به درون کعبه - همان مکان مقدسی که تمامی اعراب برای آن حرمت قائل بودند - رفت و او را به دنیا آورد. او کسی نبود جز علی بن ابیطالب، یگانه همسر دخت پیامبر، پدر امامان بزرگوار حسن و حسین.



بنابر اخبار دیوار کعبه شکافت و مادرش به درون کعبه - همان مکان مقدسی که تمامی اعراب برای آن حرمت قائل بودند - رفت و او را به دنیا آورد. او کسی نبود جز علی بن ابیطالب، یگانه همسر دخت پیامبر، پدر امامان بزرگوار حسن و حسین. حضرت علی یار شب بیداری ها و جنگ های پیغمبر و نخستین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد و هنگامی که پیامبر گفت آیا کسی هست از میان شما تا برادر و جانشین و وصی من میان مردم باشد؟ این فقط حضرت علی بود که پا پیش نهاد و پاسخ داد: ای پیغمبر خدا من تو را یاری می کنم. (زیدان، 1382، 22 - 21) او همان کسی بود که در توطئه دار الندوه که سران قریش قصد جان پیغمبر را کردند، در بستر پیامبر خوابید و توطئه قریشیان را باطل کرد. (شهیدی، 1383، 59) او همان کسی بود که آیه «همانان که در فراخی و تنگی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند، و از مردم در می گذرند؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد» (آل عمران/134) در مورد او صدق می کند. چرا که او در پنهان کردن خشم خود معروف بود. چنان که مولانا در داستان خدو انداختن خس در روی امیرالمؤمنین چنین می گوید:

در غزا بر پهلوانی دست یافت / زود شمشیری برآورد و شتافت

او خدو انداخت در روی علی / افتخار هر نبی و هر ولی

در زمان انداخت شمشیر آن علی / کرد او اندر غزایش کاهلی

این حضرت همواره خشم خود را فرو می برد و در مورد مهارکردن خشم بسیار سفارش کرده است. چهل، خودبینی تندخویی از دیگر مواردی است که حضرت بسیار آنها را نکوهش کرده و در نکوهش تندخویی فرموده است: «تندخویی نوعی دیوانگی است. زیرا تندخو پشیمان می شود. پس اگر پشیمان نشود، دیوانگی او پا برجا است.» (رضی، 1341، 1199)

مرد میدان های جنگ پیامبر، مرد ذوالفقار و زره چنان قلب رئوفی داشت که دستگیر مظلومان و یتیمان و در راه ماندگان بود. او بیت المال را به اهلش می سپرد، همواره با ظلم مبارزه می کرد و از کسی بجز خداوند هراسی نداشت. در نظر او دنیا پست ترین امور بود. همان طور که درباره آن فرمود: «الدنيا جيفة و طالباها كلاب.»

او در میان اعرابی که همه به دنبال پول و مقام و خلافت بودند، مرد آزاده و تنهایی بود که پروای دنیا نداشت. او که والی کوفه بود، معدود همراهانی داشت که همگی در مدینه بودند. از این رو بود که او در تنهایی های خود راز با چاه می گفت. عطار در این باره گفته است:

مصطفی جایی فرود آمد به راه

گفت آب آرید لشکر را ز چاه

رفت مردی باز آمد پر شتاب

گفت پر خون است چاه و نیست آب

گفت پنداری ز درد کار خویش

مرتضی در چاه گفت اسرار خویش

چاه چون بشنید آن تابش نبود

لاجرم پر خون شد و آبش نبود

حضرت در تنهایی خود فقط یار و یاور یتیمان بود، او پدر یتیمان بود، بخشش کننده ای بزرگ که در شب های خلوت و بی کسی از آنها دلجویی می کرد، اما مردم کوفه به او بی وفایی کرده، بر ضدش توطئه کردند و در نوزدهم رمضان هنگام نماز صبح به سر مبارکش ضربت زدند. بنا بر برخی روایات بخشش این حضرت مشمول ضربت زننده خود نیز شد.

پدر یتیمان و درماندگان در 21 رمضان تنهایی خود را به بینوایان و بی سرپرستان وا گذاشت و از این دنیای فانی رخت بربست. مردان بزرگ این چنین تسلیم سرنوشت می شوند و خود را به مرگ که در نزد علی(ع) از زندگانی این دنیا خوش تر است می سپارند. چنین افرادی در این دنیا اندکند و کارهای بزرگشان بسیار. جامعه اسلامی با الگو قرار دادن این افراد است که می تواند از فقر و زورگویی و خشم در امان بماند.

منابع:

1 - تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیرکبیر 1382

2 - تاریخ تحلیلی اسلام، سیدجعفر شهیدی، انتشارات نشر دانشگاهی 1383

3 - نهج البلاغه، شیخ رضی، بی جا، 1351

4 - مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، انتشارات افکار 1375

5 - منطق الطير، فرید الدین عطار نیشابوری، تصحیح محمد جواد مشکور، انتشارات الهام 1384  
زهرا شهرام بخت / جام جم